

حضور اجتماعی زنان با توجه به رویکرد شهید مطهری به حقوق فطری

ساره لاریجانی^۱

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱۲/۰۵

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۲/۱۵

چکیده

حضور اجتماعی زنان از مسائل مورد مناقشه میان اندیشمندان مسلمان است. به طور کلی شاهد دو رویکرد سنت‌گرا و تجددگرا در این حوزه هستیم، به گونه‌ای که برخی با تمسک به رویکرد سنتی به برتری مرد بر زن در خلقت تأکید داشته و همین را مبنای تفاوت‌های حقوقی دو جنس و محرومیت زنان از بسیاری از شئون اجتماعی قرار داده‌اند. در نقطه مقابل گروه تجددگرا با الهام گرفتن از تفکر لیبرال غربی با اصرار بر اصول آزادی و برابری حضور حداکثری برای زنان را طلب می‌کنند. این مقاله گفتمان سومی بر مبنای تفکر شهید مطهری در خصوص حضور اجتماعی زنان مبنی بر دو اصل عدالت و حقوق فطری ارائه می‌دهد. رویکرد شهید مطهری را می‌توان در سه مؤلفه خلاصه کرد: (الف) زن و مرد در انسانیت مشترک هستند؛ (ب) در هر دو جنس استعدادها و قابلیت‌های فطری وجود دارد که سعادت انسان در گرو به فعلیت رساندن آنهاست؛ (ج) برای به فعلیت رساندن برخی از استعدادها انسان احتیاج به وجود فضای فعال و رقابتی در عرصه اجتماعی است. لذا از منظر عدالت اجتماعی باید زمینه‌های حضور فعالانه بانوان با حفظ موازین اسلامی در عرصه‌های مختلف علمی، اقتصادی، سیاسی و اجتماعی فراهم شود. در این پژوهش، برای یافتن دیدگاه شهید مطهری در این باره از روش تحلیل متنی بهره گرفته شده است.

کلیدواژه‌ها

شهید مطهری، حقوق فطری، عدالت، مشارکت اجتماعی زنان

۱. سرپرست دپارتمان مطالعات زنان دانشگاه اهل بیت (ع)، تهران، ایران. (sarehala@gmail.com)



Women's Social Participation Based on Motahhari's Approach to Natural Rights

Sareh Larijani¹

Reception Date: 2022/02/24

Acceptance Date: 2022/05/05

Abstract

Today, in spite of all the Muslim intellectuals' efforts with regard to women's socio-political participation, there are still doubts about this issue in some Muslim countries. Even in Iranian society, the status of women in certain social matters is still not clear. In this article, we are going to investigate the issue from a religious perspective in the light of Morteza Motahhari's intellectual arguments based on the concepts of social justice and natural rights (Huquq-i fitri). In fact, women's social participation is still one of the controversial issues among Muslim thinkers. Hence, we are witnessing two extremist tendencies in this area. On the one hand, there are traditionalists who restrict women's social participation because of an unjustified connection between women's social activity and the increase in sensuality. On the other hand, there are those who, influenced by Western liberalism and so emphasizing freedom and equality, expect women's maximum public activities even though they do not present any clear structure for women's public life. These intellectuals either do not make their arguments based on any religious notions or theorize their approach based on a weak religious argument. This study aims to present an alternative approach that avoids extremism and is based on the principles of justice and natural rights. This alternative approach according to Motahhari's thought has three main components: 1. Men and women are equal in humanity, 2. Both genders possess capacities and potentialities on which the happiness of human are dependent, 3. To actualize some of these potentialities, humans need to participate in social activities. This study is a library research project based on textual analysis.

Keywords

Morteza Motahhari, Natural Rights (Huquq-i fitri), Justice, Women's Social Participation

1. Head of the Department of Women Studies, Ahlul Bayt University, Tehran, Iran.
(sarehala@gmail.com))

۱. مقدمه

امروزه با همه تلاش‌هایی که روشنفکران مسلمان در مورد حضور بانوان در صحنه‌های سیاسی-اجتماعی انجام داده‌اند هنوز ابهاماتی در مورد جایگاه اجتماعی زنان وجود دارد. به طور کلی شاهد دو رویکرد سنت‌گرا و تجددگرا در این حوزه هستیم، به گونه‌ای که برخی با تمسک به رویکرد سنتی به برتری مرد بر زن در خلقت تأکید دارند و همین را مبنای تفاوت‌های حقوقی دو جنس و محرومیت زنان از بسیاری از شئون اجتماعی قرار داده‌اند. چرا که میان حضور زنان در اجتماع و بالا رفتن مفاسد اخلاقی ارتباطی بلاوجه برقرار می‌کنند. در نقطه مقابل گروه تجددگرا با الهام گرفتن از تفکر لیبرال غربی، با اصرار بر اصول آزادی و برابری، حضور حداکثری برای زنان را طلب می‌کنند، بدون آن که ساختار روشنی برای حضور اجتماعی زنان طراحی کرده باشند، و مهم‌تر آن که این گرایش خود را به هیچ مبنای دینی مستند نمی‌کند و یا با استناد ضعیف در این زمینه نظریه‌پردازی می‌کنند.

بدون شک شهید مطهری یکی از مؤثرترین شخصیت‌های معاصر ایران است که در طول عمر بابرکت خود تلاش نمود تا یک نظام جامع اسلامی در زمینه‌های فردی و اجتماعی را پایه‌گذاری کند و از این طریق به بررسی مکاتب مختلف فکری و شبهات مطرح در جامعه پرداخت. مسئله حقوق زن در اسلام یکی از موضوعاتی است که استاد مطهری درباره‌اش احساس خلأ و نقصان می‌کرد و لذا فعالانه وارد این عرصه شد و تألیفات متعددی از وی در این زمینه به یادگار مانده است، از جمله نظام حقوق زن در اسلام و مسئله حجاب.

اهمیت رویکرد شهید مطهری در مسئله زنان روش‌شناسی عقلانی-فلسفی ایشان است. او در بررسی حقوق زن در اسلام تلاش می‌کند که فلسفه حکم را بیان کند و در این راستا بر دو اصل حقوق طبیعی و عدالت تأکید بسیار دارد. در نظام حقوق زن در اسلام می‌گوید: «بحث ما صد درصد جنبه فلسفی دارد، به فلسفه حقوق مربوط است، به اصلی مربوط است به نام اصل عدل که یکی از ارکان کلام و فقه اسلامی است» (مطهری ۱۳۷۶، ۱۲۴). لذا شاهد هستیم که وی به نتایجی در باب زنان خصوصاً حضور اجتماعی آنان دست یافت که با رویکرد رایج سنتی بسیار متفاوت بود. این مقاله تلاش دارد گفتمان سومی در باب مشارکت اجتماعی زنان بر مبنای تفکر شهید مطهری با تکیه بر دو اصل عدالت و حقوق فطری ارائه دهد.

۲. مبانی فکری شهید مطهری در بحث حقوق اجتماعی زنان

قرائت شهید مطهری از حضور اجتماعی زنان را می‌توان ناشی از مبانی زیر دانست:

- تمایز میان نظام زندگی خانوادگی و اجتماعی
- حقوق فطری
- تعریف عدالت و عدالت اجتماعی

۱-۲. تمایز میان نظام زندگی خانوادگی و اجتماعی

شهید مطهری صراحتاً میان زندگی منزلی و اجتماعی بشر تمایز قائل است، چرا که بشر طبیعتاً گرایش به تشکیل خانواده و داشتن فرزند دارد. لذا برای فهم صحیح حقوق و تکالیف دو جنس در کانون خانواده باید کتاب خلقت را مورد مذاقه قرار داد و با شناخت صحیح تفاوت‌های تکوینی به بیان حقوق و تکالیف زوجین در نظام خانواده پرداخت. از نظر او، تفاوت‌های تکوینی به معنای برتری یک جنس و نقصان جنس دیگر نیست، بلکه صرفاً برای نیل به هدف والا و مقدسی که همان حفظ و استحکام کانون خانواده است لحاظ شده‌اند. از این رو استاد مطهری نظریه حقوق برابر اما نا متشابه را در نظام خانوادگی مطرح می‌کند. حال آن که وی نظام اجتماعی را نظامی قراردادی و یا قراردادی-طبیعی می‌داند که افراد بشر در آن از حقوقی برابر و متشابه بهره‌مند می‌شوند (مطهری ۱۳۷۶، ۱۴۵). همین امر نقطه آغازین این مقاله است که بر چه مبنایی شهید مطهری زنان و مردان را از لحاظ حقوقی برابر با یکدیگر در عرصه اجتماع می‌داند.

۲-۲. حقوق فطری در نگاه استاد مطهری

حقوق فطری و ارتباط آن با حقوق الهی از زمره مسائلی است که میان علمای الهیات در ادیان مختلف مطرح بوده است (Griffel 2007, 42). در منابع اسلامی نیز حقوق طبیعی ذیل مبحث «مستقلات عقلیه» مطرح می‌شود. مستقلات عقلیه عبارت است از یک سلسله احکام عقلی که عقل مستقل از شرع قادر به درک آنهاست، مانند فضیلت عدالت (محقق داماد ۱۳۹۴، ۱۳۶). ذهن فلسفی شهید مطهری موجب شده او فلسفه حقوق طبیعی را به عنوان یکی از مؤلفه‌های اصلی تفکر خود در حوزه‌های مختلف اسلامی از جمله حقوق زنان برگزیند تا حدی که وی را فیلسوف فطرت می‌خوانند (بهشتی ۱۳۹۳).

هرچند می‌توان دریافت استاد مطهری از فلسفه حقوق طبیعی را متأثر از دیدگاه استادش علامه طباطبایی دانست، باید توجه داشت که او این مبحث را به صورت عمیق‌تر

مورد بررسی قرار داده است.^۱ نظریه استاد مطهری در فلسفه حقوق طبیعی مبتنی بر اصل علت غایی است. رویکرد وی را می‌توان در مؤلفه‌های زیر خلاصه کرد:

۱. طبیعت دارای هدف است و دستگاه خلقت موجودات را به سمت تکامل استعدادهایی که در وجودشان نهفته است سوق می‌دهد.

۲. هر استعداد طبیعی سندی است بر یک حق طبیعی.

۳. انسان به واسطه خلیفه الله بودن جایگاه ویژه‌ای در جهان خلقت دارد و لذا صاحب فطریاتی خاص هست که شهید مطهری آنها را در غالب پنج گروه میل به حقیقت‌جویی، خیر و فضیلت، جمال و زیبایی، خلاقیت و ابداع و عشق و پرستش تقسیم‌بندی می‌کند (مطهری ۱۳۶۹، ۷۹-۸۴). تمام انسان‌ها اعم از مرد و زن به حکم انسان بودن دارای این ویژگی‌های فطری هستند و البته سعادت انسان‌ها در گرو رشد متوازن این استعدادهاست.

۴. تفسیر شهید مطهری از حقوق فطری در ارتباط تنگاتنگی با تعریف وی از اصل عدالت قرار دارد. به عبارت دیگر، عدالت و حقوق فطری دو اصل به هم تنیده در تفکر استادند.

۳-۲. رویکرد استاد مطهری به عدالت و تأثیر آن در مشارکت اجتماعی بانوان

به جهت اهمیتی که مفهوم عدالت در تفکر اسلامی در ابعاد مختلف فقهی و کلامی دارد، متفکرین مسلمان تعاریف و وجوه متفاوتی را برای آن لحاظ کرده‌اند. به طور مثال علامه جعفری عدالت را رفتار مطابق با قانون می‌داند (جعفری ۱۳۹۲، ۲۵۴). سید محسن طباطبایی حکیم، عدالت را ملکه نفسانی می‌داند که انسان را به سمت انجام واجبات و ترک محرمات سوق می‌دهد (طباطبایی حکیم ۱۳۸۹، ۳۳۲). از دیدگاه علامه طباطبایی، «عدالت اجتماعی عبارت است از این که حق هر صاحب حقی را به او بدهند» (طباطبایی ۱۳۶۳، ۵۷۰).

شهید مطهری نیز در آثار متعدد به تبیین و تعریف اصل عدالت و وجوه مختلف آن در اسلام پرداخته است که مهم‌ترین آنها کتاب گرانسنگ *عدل الهی* است. برای پیدا کردن درکی روشن از دیدگاه او از عدالت اجتماعی و به تبع، تأثیر آن در مشارکت اجتماعی زنان به نکات زیر باید توجه کرد:

الف. استاد مطهری عدالت را بر مبنای حق (حقوق طبیعی) تعریف می‌کند، «عدالت عبارت است از این که آن استحقاق و آن حقی که هر بشری به موجب خلقت

خودش و به موجب کار و فعالیت خودش به دست آورده است به او داده شود؛ نقطه مقابل ظلم است» (مطهری ۱۳۹۷، ۲۲۶).

ب. نه تنها عدالت امری مستقل از دین است، بلکه از مقیاس‌های اسلام و در سلسله علل احکام است. «نه این است که آنچه دین گفته عدل است، بلکه آنچه عدل است دین می‌گوید. این معنای مقیاس بودن عدالت است برای دین» (مطهری ۱۳۷۷، ۲۲۶).

ج. ارتباطی عمیق و ناگسستنی میان قوانین الهی (شرع) و قوانین طبیعی وجود دارد. هرچند هر دو قانون از سمت خداوند است، اما حقوق فطری که نشئت گرفته از قانون خلقت و آفرینش هستند بر قانون شرع مقدم‌اند. «خداوند قانون دین را هماهنگ قوانین فطرت و خلقت مقرر فرموده» (مطهری ۱۳۹۲، ۵۴).

د. تلازمی به‌هم‌تنیده میان حق و تکلیف وجود دارد، بدین معنا که برخی از حقوق طبیعی تنها در سایه انجام تکالیف قابل استیفا هستند. انسان به واسطه داشتن دو قوه عقل و اراده قادر خواهد بود به وظایف خود (خصوصاً در حوزه اجتماع) عمل کند و در مقابل به حق طبیعی خود دست یابد (مطهری ۱۳۹۲، ۹۲).

۳. جایگاه حقوق طبیعی و عدالت در زندگی اجتماعی

با توجه به مباحث بالا چند سؤال اساسی مطرح می‌شود: آیا حقوق طبیعی می‌تواند مبنای حقوق اجتماعی قرار گیرد؟ آیا عدالت اجتماعی به معنای برابری مطلق افراد بشر در اجتماع است؟ آیا هر نوع تبعیض و نابرابری به معنای بی‌عدالتی است؟ شهید مطهری جامعه بشری را به پیکری زنده تشبیه می‌کند که از مجموعه‌ای از اعضا تشکیل شده است که شغل‌ها و حرفه‌ها میان آنها تقسیم می‌شود. یکی از تفاوت‌های جامعه با پیکر زنده در این است که اعضای پیکر هر کدام محل و مقام ثابتی دارند، اما جایگاه و وظایف افراد در جامعه ثابت نیست. علاوه بر این او میان تبعیض‌های روا و ناروا تفاوت قائل می‌شود. از نظر استاد، برای رسیدن به توزیع عادلانه جایگاه‌های اجتماعی

فقط یک راه هست و آن این که اکراه و اجباری در کار نباشد، همه را آزاد بگذارند و میدان زندگی شکل میدان مسابقه بلکه میدان‌های مسابقه را پیدا کند، افراد مختلف همه حق شرکت در مسابقه را داشته باشند، هر کسی متناسب با ذوق و استعداد خودش و متناسب با لیاقت و فعالیت خودش مقام و شغل و کاری را حیازت کند. (مطهری ۱۳۹۲، ۹۲)

بنابراین جامعه عادل جامعه‌ای است که در آن (الف) قانون همه انسان‌ها را به یک چشم نگاه کند، (ب) همه افراد جامعه اعم از زن و مرد آزاد باشند تا در عرصه‌های مختلف اجتماعی با یکدیگر رقابت کنند.

به نوعی شاید بتوان گفت که شهید مطهری متأثر از نظریه عدالت توزیعی ارسطو است، با شعار «انسان‌های برابر سهم برابر و انسان‌های نابرابر سهم نابرابر» (Winthrop 1978, 1204). در واقع ارسطو نیز عدل را نه برابری بلکه تناسب جایگاه هر کس با شایستگی‌اش می‌دانست.

۴. نتیجه‌گیری

با توجه به رویکرد شهید مطهری به جایگاه حقوق فطری و عدالت در عرصه اجتماع، در خصوص مشارکت اجتماعی زنان می‌توان به نتایج زیر اشاره کرد:

الف. زنان همگام با مردان باید آزاد باشند تا در عرصه‌های مختلف اجتماعی شرکت کنند و فضیلت کسب کنند و جامعه موظف است شرایط مناسب را برای آنان فراهم آورد.

ب. دستورات اسلامی مبنی بر حفظ پوشش و عدم اختلاط دو جنس هرگز به معنای پرده‌نشینی زن و حذف او از عرصه‌های اجتماعی نیست، بلکه این تعالیم به نوع حضور اجتماعی بانوان شکل مناسب می‌دهد.

ج. حکومت موظف است شرایط عادلانه برای رقابت‌های اجتماعی را فراهم کند تا افراد بر اساس استعداد، شایستگی و تلاش خود بتوانند مناصب اجتماعی را تصاحب کنند و در این زمینه تبعیضی میان زنان و مردان نباشد.

هرچند پس از پیروزی انقلاب گام‌های مؤثری برای تحقق عدالت اجتماعی و رفع تبعیض‌های جنسیتی برداشته شده، همچنان این عرصه دارای خلأهای جدی است که امید می‌رود با توجه به آرای اندیشمندانی چون استاد مطهری شاهد تحقق هر چه بیشتر عدالت اجتماعی در باب مشارکت اجتماعی بانوان باشیم.

کتاب‌نامه

- بهشتی، احمد. ۱۳۹۳. نوآوری‌ها و نواندیشی‌های استاد مطهری فیلسوف فطرت. ندای فطرت وابسته به بنیاد علمی و فرهنگی علامه مرتضی مطهری.
- جعفری، محمدتقی. ۱۳۹۲. ترجمه و تفسیر نهج البلاغه، ج. ۳. دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- طباطبایی حکیم، سید محسن. ۱۳۸۹. مستمسک العروة الوثقی، ج. ۷. مطبعة الاداب فی النجف.

- طباطبایی، سید محمدحسین. ۱۳۶۳. ترجمه تفسیر المیزان، ج. ۱. قم: مؤسسه دارالعلم.
- طباطبایی، سید محمدحسین. ۱۳۷۸. تفسیر المیزان، ج. ۱۶. امیرکبیر، بنیاد علمی فکری علامه طباطبایی، و مرکز نشر فرهنگی رجاء.
- محقق داماد، سید مصطفی. ۱۳۹۴. مباحثی از اصول فقه، دفتر دوم. مرکز نشر علوم اسلامی.
- مطهری، مرتضی. ۱۳۶۹. فطرت. صدرا.
- مطهری، مرتضی. ۱۳۷۶. نظام حقوق زن در اسلام. صدرا.
- مطهری، مرتضی. ۱۳۷۷. یادداشت‌ها. ج ۶ صدرا.
- مطهری، مرتضی. ۱۳۹۲. بیست گفتار. صدرا.
- مطهری، مرتضی. ۱۳۹۷. سیری در سیره ائمه اطهار. صدرا.
- Griffel, Frank. 2007. "The Harmony of Natural Law and Shari'a in Islamist Theology." In *Shari'â: Islamic Law in the Contemporary Context*, edited by Abbas Amanat. Stanford University Press .
- Winthrop, D. 1978. "Aristotle and Theories of Justice." *The American Political Science Review* 72(4): 1201-1216.

یادداشت‌ها

۱. رویکرد علامه طباطبایی را می‌توان از تفسیر ایشان از فطرت ذیل آیه (۳۰: ۳۰) دریافت (طباطبایی ۱۳۷۸، ۲۶۷).